

قراردادهای اجباری^۱

دکتر منصور امینی *

علی صداقتی **

چکیده

بر هم خوردن نوع روابط و میزان استقلال افراد در جوامع پیچیده امروزی باعث گردیده تا حقوق قراردادهای نیز همگام با آن دچار تغییراتی گردد. مهم‌ترین جلوه‌گاه این تغییرات را می‌توان در افزایش شمار محدودیت‌های وارد بر اصل آزادی قراردادی مشاهده نمود.

در واقع، در جوامع امروزی با توجه به تفاوت‌های قابل توجه به وجود آمده در قدرت چانه‌زنی افراد و بر هم خوردن تعادل قراردادی از سویی، و همچنین تخصصی شدن امور از سوی دیگر، احترام مطلق و بیش از اندازه به اصل آزادی قراردادی می‌تواند در جهت معکوس با هدف خود عمل نموده و نه تنها رفاه عمومی را افزایش نداده که به عسر و حرج بیشتر مصرف‌کنندگان در رفع نیازهایشان دامن زند.

در حقوق امروز، محدودیت‌های وارد بر اصل آزادی قراردادی نه تنها در جهت ممانعت از انعقاد قراردادهای مضر به حال جامعه به کار گرفته می‌شود، بلکه در مواردی این محدودیت‌ها تا جایی پیش می‌روند که حتی به آزادی افراد در خودداری از انعقاد قرارداد نیز تجاوز نموده و افراد را به ورود اجباری در انعقاد قرارداد و یا انتخاب طرف یا مفاد قرارداد ملزم می‌نماید.

قراردادهای اجباری، به این ترتیب، حاصل محدودیت‌های وارد بر اصل آزادی قراردادی، و قلمرو آن در هر کشور تابع ضرورت‌های اقتصادی - اجتماعی خاص آن کشور است.

کلید واژگان

قرارداد اجباری - اصل آزادی قراردادی - قرارداد اکراهی - قرارداد الحاقی - بیمه اجباری مسئولیت مدنی.

^۱. این تأسیس در حقوق انگلیس با عبارت "Compulsory Contract" و در حقوق فرانسه با عنوان "Les Contrats Imposés" و یا "Les Contrat Forcés" شناخته می‌شود.

* استادیار دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** کارشناس ارشد حقوق اقتصادی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

۱. با توجه به تقسیم کار صورت گرفته و تخصصی شدن امور و تغییرات گسترده در بافت اجتماعی، امروزه کمتر موردی را می‌توان یافت که در آن، افراد در رفع نیازهای خود مستقل بوده و به برقراری رابطه با یکدیگر احتیاج نداشته باشند. بیمار برای درمان خود ناگزیر به مراجعه به داروخانه است؛ افراد برای رفع مایحتاج خود مجبور به مراجعه به نانوا و یا قصاب و جهت تأمین آب و برق و گاز منازل خود محتاج به ادارات آب و برق و گاز هستند. اگر در گذشته، آب و نان از سوی خود خانواده‌ها تأمین می‌گردید، امروزه رفع این نیازهای ضروری نیز توسط مشاغل مخصوص به خود صورت می‌گیرد.

۲. حال با توجه به این تغییرات اجتماعی و نیاز مبرم افراد به یکدیگر و به مؤسسات اقتصادی، طبیعتاً اصل آزادی قراردادی^۲ که مبتنی بر فروضی همچون برابری و استقلال افراد در رابطه با یکدیگر بود نیز با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است. در واقع، اصل آزادی قراردادی بر این مبنا استوار گردیده بود که با توجه به برابری و استقلال افراد در برقراری ارتباط با یکدیگر، وظیفه دولت باید این باشد که با مداخله حذقلی خود، زمینه را برای شکوفایی هر چه بیشتر خلاقیت افراد فراهم نموده تا از این طریق، رفاه شخصی و به تبع آن رفاه عمومی به حداکثر برسد. حال آنکه امروزه مشخص شده است که فرض برابری و استقلال افراد در مراجعه و انعقاد قرارداد با یکدیگر، بیشتر به توهم نزدیک است تا واقعیت؛^۳ چگونه می‌توان در رابطه میان مصرف‌کننده و اداره برق و یا میان مسافر و وسیله حمل و نقل عمومی صحبت از استقلال و برابری آنها در معامله با یکدیگر نمود؟ آیا مشتری نانوا یا داروخانه، جهت رفع احتیاج خود، چاره دیگر جز مراجعه به نانوا یا داروخانه دارد؟ پس، چگونه می‌توان او را در برقراری این رابطه مستقل و آزاد فرض نمود؟ چالش‌های فوق باعث گردیده تا در حقوق امروز، اصل آزادی قراردادی اعتبار و قداست سابق خود را از دست داده و هر روزه با محدودیت‌های جدیدی روبه‌رو گردد. هدف اصلی از وضع این محدودیت‌ها نیز بازگرداندن تعادل به روابط قراردادی و ایجاد نظم عادلانه اجتماعی است.

۳. یکی از جلوه‌های محدودیت‌های مزبور، که شاید بتوان آن را شدیدترین نوع محدودیت نیز دانست، تأسیس «قرارداد اجباری» است. در این تأسیس، اشخاص و مؤسسات موظف می‌باشند تا کالا و خدمات عمومی و اساسی را بدون تبعیض و حق انتخاب، و گاهی طبق شروط از پیش تعیین شده از سوی دولت، در اختیار کلیه متقاضیان قرار دهند. قراردادهای اجباری، علی‌رغم اهمیت بسیار زیاد آن، تاکنون در ایران مورد توجه شایسته قرار نگرفته است. لذا، در این مقاله سعی شده است طی سه گفتار، مفهوم، مبانی و اقسام این قراردادها مورد بررسی قرار گیرد.^۴

گفتار نخست: مفهوم قرارداد اجباری

۴. فهم درست از قرارداد اجباری منوط به ارائه تعریف از این قرارداد و نیز تفکیک میان آن و قراردادهای مشابه است.

مبحث اول: تعریف

۵. قرارداد اجباری به آن دسته از قراردادها گفته می‌شود که اشخاص در انعقاد قرارداد و یا در مفاد آن و یا در انتخاب طرف قرارداد آزاد نیستند و تحت اجبار و الزام قانونی آن را منعقد می‌نمایند.

۲. Le principe de la liberté contractuelle.

۳. L. Koffman and E. Macdonald, The Law of Contract, New York, Oxford University Press, 5th edition 2004, p. 4.

۴. در این زمینه تنها آقای دکتر کاتوزیان در جلد اول کتاب قواعد عمومی قراردادها به موضوع اشاره کرده‌اند: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، صص ۱۹۹-۱۹۴.

سابقه قراردادهای اجباری، به اعتقاد پاره‌ای از حقوق‌دانان^۵ به قرون وسطی و یا حتی قبل از آن بر می‌گردد: در جایی که متصدیان حمل و نقل عمومی و یا صاحبان مسافرخانه اجبار به ارائه سرویس به متقاضیان داشتند. اما روشن است که امروزه مصادیق قراردادهای اجباری به دلیل توسعه خدمات عمومی و نیز نظارت بیش از پیش دولت‌ها بر این گونه خدمات، گسترش بسیار افزون‌تری یافته است: آب، برق، گاز، تلفن، حمل و نقل عمومی، نان، دارو و... خدمات پزشکی، بیمه و حتی در پاره‌ای از موارد و شرایط اجاره و...

مبحث دوم: برخی مفاهیم مشابه

۶. قراردادهای اجباری از یک سو، با قراردادهای اکراهی و از سوی دیگر با قراردادهای الحاقی تفاوت دارند.

بند اول: قرارداد اجباری و قرارداد اکراهی

۷. در قرارداد اکراهی مانند قرارداد اجباری، نوعی اجبار بیرونی برای انعقاد قرارداد دیده می‌شود، اما تفاوت اصلی این دو، در نوع اجبار است: اگر در اولی اجبار، جنبه نامشروع و غیرقانونی دارد؛ در دومی اجبار، ریشه‌ای کاملاً قانونی و مشروع دارد.

البته، میان هر دو اجبار از جهتی نیز شباهت وجود دارد: در هر دو، اجبار به حدی نیست که اختیار را از منعقد کننده قرارداد سلب کند؛ اکراه شونده در قرارداد اکراهی می‌تواند خطر را پذیرفته و به قرارداد تن ندهد؛ همچنان که اجبار شونده در قرارداد اجباری می‌تواند با تحمل ضمانت اجرای قانونی و حقوقی از انعقاد قرارداد امتناع ورزد.

بند دوم: قرارداد اجباری و قرارداد الحاقی^۶

۸. شاید در ابتدا مفهوم قرارداد اجباری با قرارداد الحاقی مشابه پنداشته شود، ولی گذشته از شیاع قرارداد الحاقی در یکی دو قرن اخیر و جوان‌تر بودن قرارداد اجباری نسبت به آن، بین این دو پدیده حقوقی تفاوت‌های ماهوی اساسی وجود دارد.

قرارداد الحاقی به آن دسته از قراردادها گفته می‌شود که در آن یکی از طرفین قرارداد به دلیل موقعیت اقتصادی برتری که به موجب قوانین و یا در نتیجه کنش‌های اقتصادی برایش ایجاد شده، سعی در تحمیل شروط مورد نظر خود به طرف دیگر قرارداد دارد و طرف دیگر نیز صرفاً توانایی الحاق به قرارداد را دارد، و نه امکان گفتگو و چانه‌زنی بر روی شروط آن را.^۸ به این ترتیب، در قراردادهای الحاقی، شخص اجبار قانونی به انعقاد قرارداد ندارد اما اضطراراً وارد در قراردادی می‌شود که مفاد آن را طرف دیگر به او تحمیل می‌نماید.

⁵ A. Lenhoff, the scope of compulsory contracts proper, Columbia Law review, 1943, vol. 43, no 5, p. 586; E. W. Patterson, compulsory contracts in the crystal ball, Columbia Law review, 1943, v. 43, no 5, p. 734.

^۶ البته شناسایی چنین نهادی از سوی حقوق‌دانان به انتهای نیمه اول قرن بیستم بر می‌گردد: نگاه کنید به:

J. Flour- J. L. Aubert et E. Savaux, obligations, delta édition, 2002, no 124, p. 96.

⁷ Le contrat d'adhésion.

^۸ نگاه کنید به:

Flour- Aubert- Savaux, op. cit., no 124, p. 96; F. Terré, Ph. Simler- Y. Lequette, obligations, Dalloz, 1996, no 188, p. 181.

اما در قراردادهای اجباری آنچه که باعث می‌شود که شخص مجبور به انعقاد قرارداد شود اضطرار و اقتضائات فردی و شغلی نمی‌باشد، بلکه این قانون است که شخص را به منعقد کردن قرارداد اجبار می‌نماید.^۹ همان گونه که یکی از نویسندگان حقوقی می‌گوید: «یک ضرورت، حتی با ماهیت الزامی، نمی‌تواند با یک تعهد در معنای حقوقی یکسان در نظر گرفته شود: در علم حقوق اشتراک گاز یا برق الزامی نیست»^{۱۰}

با این حال، در بسیاری موارد، یک قرارداد واحد ممکن است توأمان قرارداد الحاقی و اجباری توصیف گردد. قراردادهای بانکی و بیمه از مصادیق چنین قراردادهایی می‌باشند:

بانک‌ها جزء مؤسساتی هستند که خدمات عمومی ارائه می‌دهند. حال فرض کنید فردی جهت درخواست وام به بانکی مراجعه نموده و بانک قراردادی از پیش تنظیم شده را در مقابل وی قرار می‌دهد و شرط دادن وام را پذیرش این شروط اعلام می‌کند. در اینجا، از آنجایی که فرد بر اثر ضرورت شخصی به بانک مراجعه و درخواست وام نموده و از طرفی بانک نیز از قدرت اقتصادی کاملاً برتری نسبت به او برخوردار است، در نتیجه می‌تواند شروط خود را به راحتی بر فرد تحمیل نموده و فرد نیز تنها می‌تواند به این قرارداد ملحق شود. در اینجا ما با عقدی الحاقی میان آن دو روبه‌رو خواهیم بود.

در این مثال، آنچه اهمیت دارد این است که با این که ضرورت شخصی، فرد را به سوی انعقاد قرارداد با بانک سوق داده، اما او همچنان در انعقاد قرارداد دارای اختیار می‌باشد و می‌تواند از درخواست وام صرف‌نظر نماید.

حال می‌توان از سوی دیگر نیز به این رابطه توجه نمود. فرض کنید که فرد درخواست‌کننده وام تمام شرایط ارائه شده از سوی بانک را پذیرفته و آمادگی خود را جهت امضای قرارداد اعلام نماید. در این صورت آیا بانک همچنان این اختیار را دارد که از بستن قرارداد وام با او خودداری نماید؟ پاسخ منفی است؛ ما در اینجا با قرارداد اجباری روبه‌رویم. در واقع بانک از آنجایی که ارائه‌دهنده خدمات عمومی می‌باشد و امتناع از ارائه این خدمات به مراجعه‌کنندگان با نقش اجتماعی تعریف شده برای بانک تعارض دارد، نظم عمومی اجبار به ارائه خدمت یکسان به متقاضیان را بر بانک تحمیل می‌نماید.

گفتار دوم: مبانی

۹. اگر قرارداد را اساساً تلاقی و توافق اراده‌های آزاد بدانیم، شاید دیگر نتوان به راحتی قراردادهای اجباری را قرارداد نامید، زیرا، پیوستگی عنوان قرارداد به قید اجباری پیوستگی میان دو وصف متعارض به نظر می‌رسد.^{۱۱} در واقع، در مواردی که قانون شخص را به انعقاد قرارداد یا ادامه آن اجبار می‌نماید، دیگر سخن گفتن از اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی بی‌معنا است. در این موارد، الزامی که بر عهده شخص تحمیل می‌گردد بیشتر به الزام قانونی شبیه است تا الزام قراردادی و شاید توصیف ظاهری آن به قرارداد و تعهد قراردادی به این دلیل باشد که تحمل یک تکلیف قانونی تحت لوای عنوان قرارداد از حیث روانی برای افراد آسان‌تر است.

به این ترتیب از نظر مبانی، از یک سو نسبت میان قرارداد اجباری و اصل آزادی قراردادی و از سوی دیگر اسباب توجیه‌کننده وجود قراردادهای اجباری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

^۹. قرارداد الحاقی، در واقع، دارای سه ویژگی است: ۱. نابرابری موقعیت اقتصادی و اجتماعی طرفین، به طوری که یک طرف سلطه کم و بیش انحصاری بر کالا یا خدمت مورد نیاز طرف دیگر را دارد؛ ۲. مخاطب قرارداد پیشنهادی عموم مردم و یا بخش‌هایی از مردم هستند نه شخص معینی؛ ۳. قرارداد صرفاً از سوی یکی از طرفین تنظیم شده است. نگاه کنید به:

Terré- Simler- Lequette, op. cit., loc. cit.

^{۱۰}. G. Marty et P. Raynaud. Les obligations, Sirey, 1988, Tome 1, 2 edition, no 80, p. 77.

^{۱۱}. G. Marty et P. Raynaud. op.cit., p. 6.

مبحث اول: نسبت میان قرارداد اجباری و اصل آزادی قراردادی

۱۰. از اصل آزادی قراردادی دو قاعده مهم و اساسی به دست می‌آید: آزادی در انعقاد و یا عدم انعقاد قرارداد؛ آزادی در انتخاب مفاد قرارداد و انتخاب طرف قرارداد.

بند اول: آزادی اشخاص در انعقاد و یا عدم انعقاد قرارداد

۱۱. طبق یک قاعده عمومی پذیرفته شده در همه نظام‌های حقوقی، اشخاص آزادند که با دیگران قرارداد منعقد نمایند یا ننمایند و هیچ کس نمی‌تواند دیگری را مجبور به انعقاد قرارداد بکند یا اینکه دیگری را از انعقاد قرارداد منع نماید.^{۱۲}

این قاعده که از بدیهی‌ترین نتایج اصل آزادی قراردادی به شمار می‌رود، حتی امروزه با وجود دخالت روزافزون دولت‌ها در امر قراردادها همچنان محفوظ مانده است. دولت‌ها زمانی که بخواهند سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی خود را از طریق قراردادها اعمال نمایند سعی می‌نمایند تا مداخلات خود را از طریق مفاد و آثار قرارداد اعمال نمایند تا حداقل، ظاهر استقلال و آزادی افراد در امر انعقاد قراردادها همچنان محفوظ بماند و در امر پذیرش قرارداد، اجباری به آنها تحمیل نشود.

در بسیاری از موارد زمانی نیز که قاضی می‌خواهد شروطی را که در قرارداد وجود نداشته به آن پیوند زند، سعی می‌کند الحاق این شروط را تحت لوای شروط تلویحی یا ضمنی به انجام برساند تا، از یک سو، از تحمیل مستقیم و جابرانه شروط خودداری کرده باشد و از سوی دیگر، به نتیجه دیگری که از این اصل به دست می‌آید مبنی بر اینکه «بعد از انعقاد قرارداد نیز اراده انسان باید محترم شمرده شود و مقامات عمومی حق ندارند آثار قرارداد و تعهد طرفین را تغییر دهند»^{۱۳} احترام گذاشته باشد.

بند دوم: آزادی اشخاص در انتخاب مفاد قرارداد و انتخاب طرف قرارداد

۱۲. این قاعده را می‌توان به صورت دو قاعده جداگانه مورد بررسی قرار داد:
آزادی اشخاص در انتخاب طرف قرارداد و آزادی افراد در انتخاب مفاد قرارداد.

الف) آزادی اشخاص در انتخاب طرف قرارداد^{۱۴}

۱۳. طبق این قاعده، اشخاص را انتخاب طرف قرارداد خود آزادی کامل دارند: نه می‌توان اشخاص را مجبور به انعقاد قرارداد با فرد یا افراد معینی کرد و نه می‌توان از انعقاد قرارداد با فرد یا افراد معینی منع کرد.^{۱۵}

ب) آزادی افراد در انتخاب مفاد قرارداد

۱۴. همان گونه که اشخاص در انعقاد و یا عدم انعقاد قرارداد آزادند، هرگاه تصمیم به انعقاد قرارداد با طرف منتخب خود می‌گیرند، اشخاص آزادند مفاد قرارداد خود را با توافق یکدیگر و به هر نحو که می‌خواهند تعیین نمایند. اصل آزادی قراردادی بدون آزادی تعیین مفاد قراردادی بی‌معنا است.

¹². Benabant, obligations, no 56, p. 35; Flour- Aubert- Savaux, op. cit., no 123, p. 95; Terre- Simler- Lequette, op. cit., no 195, p. 191.

¹³. حسین، صفایی؛ قواعد عمومی قراردادها، ج دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۶، ص ۴۸.

¹⁴. La liberté de choisir son cocontractant.

¹⁵. Flour- Aubert- Savaux, op. cit., no 123, p. 96.

وجود عقود معین یعنی قالب‌های تعریف شده از سوی قانون‌گذار، به هیچ وجه محدودیتی را بر قاعده آزادی اشخاص در انتخاب مفاد قرارداد ایجاد نمی‌نماید: زیرا، اولاً: اشخاص مکلف نیستند الزاماً قراردادهای خود را قالب‌های از پیش تعریف شده توسط قانون‌گذار منعقد نمایند؛ ثانیاً: در صورت تصمیم به استفاده از این قالب‌ها، با توجه به تکمیلی بودن مقررات قانونی، اشخاص می‌توانند کماکان مفاد قرارداد را خود، تعیین نمایند.

با توضیحات فوق، اینک فهم نسبت میان قراردادهای اجباری و جلوه‌های مختلف اصل آزادی قراردادی روشن می‌گردد:

اول: قرارداد اجباری و آزادی اشخاص در انعقاد قرارداد

۱۵. همان‌طور که در بند اول بیان شد، اولین و مهم‌ترین نتیجه‌ای که از اصل آزادی قراردادی به دست می‌آید، آزاد بودن طرفین در تشکیل و یا عدم تشکیل قرارداد است. این قاعده از بدیهی‌ترین و مستقیم‌ترین نتایجی است که از این اصل به دست می‌آید و هرگونه خدشه وارد نمودن به این قاعده در واقع ضربه زدن به اصل آزادی قراردادی می‌باشد. همان گونه که یکی از حقوق‌دانان فرانسوی می‌گوید: «اگر قرارداد اساساً برخورد اراده‌های آزاد باشد، باید در انعقاد قرارداد یا عدم آن آزاد باشیم، و خودداری از انعقاد قرارداد یک خطا نیست».^{۱۶} چگونه می‌توان صحبت از آزادی قراردادی نمود در حالی که فرد حتی آزادی در ورود یا عدم ورود به قرارداد را دارا نباشد؛ در این صورت، آزادی قراردادی از معنا تهی می‌شود.

این در حالی است که در گفتار بعدی خواهیم دید که^{۱۷} یکی از جلوه‌های قرارداد اجباری، که البته شدیدترین آن نیز هست، موردی است که افراد آزادی خود را در بستن قرارداد از دست می‌دهند و به حکم قانون مجبور به انعقاد قرارداد می‌شوند.

این مصداق از قرارداد اجباری از آن جهت شدیدترین نوع از قرارداد اجباری محسوب می‌شود که بالاترین حد از سلب آزادی قراردادی را در خود دارد: زیرا، در سایر فروض از جمله در فرضی که شروط و مفاد قرارداد به حکم قانون تحمیل می‌شود، اشخاص همچنان اختیار ورود یا عدم ورود به چنین قراردادی را دارند، ولی در اینجا حتی این اختیار نیز از اشخاص سلب می‌شود و ایشان به حکم قانون ملزم به انعقاد قرارداد می‌شوند.

برای این فرض می‌توان به تکلیف دارندگان وسایل نقلیه موتوری به موجب قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری در برابر اشخاص ثالث مصوب سال ۱۳۴۷، و اصلاح شده به موجب قانون سال ۱۳۸۷، و نیز تکلیف ادارات و شرکت‌هایی چون برق، گاز و تلفن اشاره کرد.

دوم: قرارداد اجباری و آزادی افراد در انتخاب طرف قرارداد

نتیجه مهم دیگری که از اصل آزادی قراردادی به دست آمد، آزاد بودن افراد در انتخاب طرف قرارداد می‌باشد، در حالی که یکی از اقسام قراردادهای اجباری موردی است که اشخاص در زمان انعقاد قرارداد، آزاد در انتخاب طرف قرارداد خود نیستند بلکه برعکس مجبورند با هر شخص متقاضی قرارداد منعقد کرده، کالا و یا خدمت مورد نیاز را به او ارائه دهند، کما اینکه داروخانه‌ها و درمانگاه‌ها حق انتخاب مشتریان خود را ندارند و هیچ محدودیتی را در این زمینه نمی‌توانند اعمال نمایند.

¹⁶ G. Marty et P. Raynaud, op.cit., p. 76.

¹⁷ نگاه کنید به: شماره‌های ۲۳ و ۲۵.

همان‌طور که دیده می‌شود، این شکل از قرارداد اجباری نیز با نتیجه مهمی که از اصل آزادی قراردادی مبنی بر آزاد بودن فرد در انتخاب طرف قرارداد به دست آمد تناقض دارد.

سوم: قرارداد اجباری و آزادی افراد در انتخاب مفاد قرارداد

۱۷. یکی دیگر از نتایجی که از اصل آزادی قراردادی به دست آمد، آزاد بودن افراد در انتخاب مفاد قرارداد بود. در واقع، زمانی می‌توان گفت افراد از آزادی قراردادی واقعی بهره‌مند هستند که بتوان برای آنها حق انعکاس آزادانه شرایط و آثار مورد نظر خود را در قرارداد قائل شد.

این نتیجه نیز با یکی دیگر از قراردادهای اجباری مغایرت پیدا می‌کند. همان‌طور که خواهد آمد، صورتی از قرارداد اجباری وجود دارد که در آن، اشخاص در ورود به قرارداد و همچنین انتخاب طرف قرارداد آزاد هستند ولی زمانی که تصمیم به انعقاد قرارداد با فرد مورد نظر خود می‌گیرند، شرایط و آثار قرارداد به آنها تحمیل می‌شود. به این ترتیب، در این قسم، افراد تنها آزادی در بستن یا نبستن قرارداد با فرد مورد دلخواه خود را دارا می‌باشند، ولی در تعیین مفاد آن نمی‌توانند نقشی داشته باشند.

برای این فرض، می‌توان به محدودیت‌هایی که اشخاص در درج پاره‌ای از شروط و یا برعکس، اجباری که به رعایت و درج پاره‌ای دیگر از شروط در قراردادهای منعقد دارند اشاره نمود.

۱۸. در انتها، شایان ذکر است که در یک قرارداد اجباری ممکن است همه جهات پیش گفته با هم جمع گردد، به طوری که شخص نه در انعقاد، نه در تعیین مفاد و نه در انتخاب طرف قرارداد آزاد نباشد. برای مثال، در الزام مؤجر به تمدید اجاره، هم انعقاد قرارداد تحمیل می‌شود، هم طرف قرارداد (مستأجر) و هم مفاد قرارداد. در این گونه موارد می‌توان گفت تنها صورتی از قرارداد باقی می‌ماند و توافق که اساس تمام قراردادها است در آن نقشی ندارد. وظیفه دادرس نیز در این موارد صرفاً اجرای نظر قانون‌گذار است نه کشف قصد واقعی طرفین.^{۱۸}

مبحث دوم: اسباب توجیه‌کننده قراردادهای اجباری

۱۹. درست است که آزادی قراردادی، اصلی محترم و کارگشا است (چه از منظر فردگرایان و چه از منظر جامعه‌گرایان)، اما در عین حال اصل مزبور، اصلی مطلق و بدون قید و شرط نیست. اصل آزادی قراردادی مبتنی بر مجموعه‌ای از پیش فرض‌ها و واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی است و طبیعی است که چنانچه این پیش فرض‌ها و واقعیت‌ها تغییر یابد، اعمال اصل نیز با تغییرات و محدودیت‌هایی روبه‌رو گردد. در دو بند ذیل، تغییرات مزبور از حیث اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بند اول: تحولات اقتصادی

۲۰. یکی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌هایی که اصل آزادی قراردادی بر روی آن بنا شده است این است که «طرفین قرارداد به صورت آزادانه و برابر با یکدیگر ملاقات می‌نمایند و قرارداد نتیجه رضایت و انتخاب آزاد آنها می‌باشد».^{۱۹} در راستای پیش فرض مزبور، از آنجا که اشخاص با اختیار کامل و در شرایط مساوی به معامله با یکدیگر روی می‌آورند، بنابراین باید بیشترین آزادی و کمترین مداخله از سوی دولت برای آنها فراهم شود.

^{۱۸}. ناصر، کاتوزیان؛ همان منبع، ص ۱۱۲.

^{۱۹}. L. Mulcahy, Contract law in perspective, London and New York, Routledge Cavendish, 5th edition, 2008, p.29. Also see: L.Koffman and E.Macdonald, Op.cit, p.4.

حال سؤالی که طرح می‌شود این است که آیا در دنیایی که افراد از نظر هوش، استعداد، برخورداری اولیه از امکانات محیطی و غیره متفاوت هستند، باز هم می‌توان بنا را بر برابر بودن آنها را در برقراری ارتباط با یکدیگر نهاد؟ آیا از نظر اقتصادی، امکانات مالی در اختیار افراد به‌طور یکسان توزیع شده است تا فرض را در برابری نیاز اقتصادی طرفین نهاد؟ آیا تلقی اقتصاد آزاد مبنی بر اینکه هر چقدر افراد در بستن قرارداد با یکدیگر آزاد باشند و دخالت دولت کمتر باشد رفاه عمومی خود به خود افزایش می‌یابد، با واقعیات سازگار است؟

در پاسخ به این سؤالات می‌توان گفت که تجربه اقتصادی و اجتماعی در بازار و جامعه خلاف این مفروضات (برابر بودن و آزاد بودن، ارتقای خودکار رفاه عمومی) را به اثبات رسانیده است.

ویر^{۲۰} از نخستین کسانی است که در مخالفت با این فروض، آنها را ساده‌انگارانه دانسته است. او عقیده دارد که امروزه، نسبت به جوامع ماقبل صنعتی، تعداد بازارها برای مصرف کالاها بیشتر شده است و تولیدات نیز افزایش یافته‌اند، اما این امر موجب پیدایش «آزادی واقعی»^{۲۱} نشده است. از نظر او، وجود آزادی واقعی در جامعه بستگی به نظم اقتصادی و چگونگی توزیع مالکیت دارد. او همچنین معتقد است آنچه عملکرد بازار و میزان آزادی افراد را در آن تعیین می‌کند روابط حقوقی افراد با یکدیگر نیست، بلکه این قدرت چانه‌زنی آنها در بازار است که مشخص‌کننده قلمرو و میزان این آزادی است. تأکید بیش از حد بر آزادی حقوقی و ظاهری^{۲۲}، بدون در نظر گرفتن واقعیات اقتصادی، منجر به تشدید هر چه بیشتر نابرابری و بی‌عدالتی می‌گردد.^{۲۳} او از رابطه میان کارگر و کارفرما مثال می‌آورد و می‌گوید: در رابطه میان کارگر و کارفرما آنچه که تعیین‌کننده مفاد قرارداد است، قدرت اقتصادی کارفرما است نه تعامل میان آنها، و همین قدرت اقتصادی است که موجب می‌شود تا کارفرما با استفاده از آن، شرایط خود را به کارگر دیکته کند و ضمانت اجرای آن را عبارت «یا بپذیر یا برو»^{۲۴} قرار دهد.^{۲۵} در واقع، اگر بخواهیم در اینجا به آزادی حقوقی کارفرما بها دهیم، به همان نسبت از آزادی واقعی طرفین قرارداد کاسته‌ایم.

دورکیم^{۲۶}، از منظری دیگر به بیان این واقعیت می‌پردازد. او معتقد است آنچه که باید در مرکز توجه تحلیل‌های ما قرار گیرد جامعه است نه فرد، و قرارداد نیز باید در بافتی گسترده‌تر از طرفین قرارداد مورد بررسی قرار گیرد. او این نظر آدام اسمیت را نمی‌پذیرد که انسجام در جامعه از طریق دنبال کردن نفع شخصی توسط هر فرد به‌دست می‌آید؛ زیرا، که او معتقد است نفع، ویژگی موقت و گذرا دارد و مدام در حال تغییر چهره نزد افراد است: بنابراین افراد با پی‌گیری هر چه بیشتر آن در روابط اقتصادی خود از یکدیگر دورتر می‌شوند تا نزدیکتر.^{۲۷} دورکیم نیز در نهایت با مثال زدن رابطه نابرابر کارگر و کارفرما، از قانون‌گذار می‌خواهد که در مقابل این قراردادهای ناعادلانه منفعل نباشد.^{۲۸}

شاید بتوان انتقادات وبر و دورکیم را با این عبارات از ریپر در مورد وضعیت اصل آزادی قراردادی در حقوق مدرن خلاصه نمود: «اصل آزادی اراده در جایی قابل احترام است که هم پیمانان در سطح اقتصادی برابری قرار گیرند و

20. Weber.

21. Real Freedom.

22. Formal Freedom.

23. Weber (1992) Cited in: L. Mulcahy, Op.cit, p.30.

24. "take it or leave it".

25. Weber (1992) Cited in: Ibid, p.30.

26. Durkheim.

27. Durkheim (1964) Cited in: Ibid, p.31.

28. Durkheim (1964) Cited in: L. Mulcahy, Ibid, p.31.

ضعیف از فرط اضطراب ناچار به پذیرفتن تمام شرایط قوی نباشد و گرنه دولت‌ها ناگزیرند تا با وضع مقررات خاص از ناتوان در برابر توانا حمایت کنند و به این تمهید تساوی دو طرف عقد را تأمین کنند.^{۲۹}

بند دوم: تغییرات اجتماعی

۲۱. امروزه ساختار جامعه نسبت به گذشته تغییرات چشمگیری کرده است. اگر در گذشته با توجه به ساده بودن جوامع، آزادی اراده در بستن قرارداد به راحتی قابل تصور بود، امروزه نظر به پیچیده‌تر شدن جوامع و تنوع ارتباطات اجتماعی، آزادی اراده نیز با مرزها و محدودیت‌هایی روبه‌رو شده است.

در واقع، از آنجایی که آزادی اراده فرد در بستر اجتماع دارای معنا است، بنابراین هرچه حالات و وضعیت‌های اجتماعی فشرده‌تر گردد، همراه با آن، اراده نیز از حالت ابتدایی و محدود خارج و محدودتر می‌گردد.^{۳۰} زیرا، اراده نمی‌تواند از هر جهت جلوه‌گر شود بلکه باید هماهنگ با جامعه نمایان شود.^{۳۱}

برای مثال، تقسیم کار صورت گرفته و تخصصی شدن امور در جوامع امروزی باعث شده است تا استقلال افراد در برخورد با یکدیگر از میان رود. اگر در گذشته، خانواده‌ها معمولاً مایحتاج خود را مستقلاً تأمین می‌نمودند (نان را با پخت و پز در منزل، آب را با حفر چاه و حمل و نقل را با لوازم شخصی)، امروزه این امور توسط شاغل خاص انجام می‌گیرد و در بسیاری از موارد، خانواده‌ها حتی اگر خود نیز داوطلب باشند دیگر اجازه تأمین آنها را توسط خودشان نخواهند داشت و مجبور خواهند بود با مراجعه به مراکز خاص، آنها را درخواست نمایند (برای مثال جهت تهیه آب باید به اداره آب مراجعه نموده و درخواست آن را بنمایند).

به عبارت دیگر، ضرورت‌های زندگی اجتماعی امروزی باعث گردیده تا افراد ناگزیر از روی آوردن به یکدیگر جهت رفع نیازهای‌شان شوند. هر چند که در این موارد، آنها هنوز هم از نقطه نظر حقوقی تلکیفی به انعقاد قرارداد با یکدیگر ندارند، اما منعقد نکردن قرارداد برابر است با تأمین نشدن لوازم ضروری زندگی و در نهایت عسر و حرج شدید آنها.^{۳۲}

حال، با توجه به مطالب پیش گفته، آیا باز هم می‌توان از آزاد بودن کامل اشخاص در انعقاد قرارداد با یکدیگر سخن گفت؟ آیا از منظر اجتماعی، اشخاص در مراجعه به اداره آب یا گاز کاملاً مختارند تا بتوان در مقابل، برای این ادارات نیز اختیار مطلق در انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد با آنها قائل شد؟ مگر نه این است که آزاد بودن و برابر بودن از پیش فرض‌های اصل آزادی قراردادی است، آیا در این روابط هنوز هم آن پیش فرض‌ها وجود دارند؟ آیا بانک (یا بیمه، اداره برق، تلفن و ...) و متقاضی خدمت یا کالا در شرایط برابر با یکدیگر مذاکره می‌کنند؟ آیا تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در شرایط یکسان با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند؟

گفتار سوم: اقسام قراردادهای اجباری

۲۲. قراردادهای اجباری از حیث نوع اجبار قابل تقسیم به اقسام متعددی می‌باشند: اجبار در انعقاد قرارداد، اجبار در انتخاب طرف قرارداد، اجبار در انعقاد و انتخاب طرف قرارداد، اجبار در انتخاب مفاد قرارداد، اجبار در انعقاد و انتخاب مفاد قرارداد، اجبار در انعقاد و انتخاب طرف قرارداد.

^{۲۹}. ریبر؛ حکومت دموکراسی و حقوق مدنی جدید، ش ۱۲۸ به بعد. به نقل از: ناصر، کاتوزیان؛ قواعد عمومی قراردادهای ج اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹.

^{۳۰}. محمدجعفر، جعفر لنگرودی؛ تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۲۸.

^{۳۱}. همان منبع، ص ۳۱.

^{۳۲}. Benabant, op. cit., no 56, p. 36.

الف) اجبار در انعقاد قرارداد

۲۳. در این نوع از قراردادهای اجباری، فرد موظف به انعقاد قراردادی مشخص می‌باشد ولی در انتخاب طرف قرارداد آزاد است. به عبارت دیگر «انعقاد قرارداد الزامی است اما با هر کسی که بخواهیم».^{۳۳} برای مثال، طبق ماده ۱ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب سال ۱۳۸۷، دارنده وسیله نقلیه موتوری موظف به بیمه وسیله نقلیه خود در مقابل خسارات بدنی و مالی وارد به اشخاص ثالث، نزد یکی از شرکت‌های بیمه می‌باشند. همان‌طور که مشاهده می‌شود طبق این ماده، آزادی انعقاد قرارداد از اشخاص در این مورد خاص سلب شده است اما آزادی در انتخاب طرف قرارداد (در اینجا شرکت‌های بیمه) همچنان باقی است. همچنین می‌توان در این مورد به ماده ۱۳ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ اشاره نمود که طبق آن کارفرما موظف به بیمه نمودن کارگران و کارکنان خود در مقابل خسارات وارده از ناحیه آنان به اشخاص ثالث می‌باشد. در حقوق فرانسه^{۳۴} نیز می‌توان در این مورد به اجباری بودن بیمه مسئولیت برای برخی حرفه‌ها و اشخاص همچون، وکلا،^{۳۵} سردفتران^{۳۶} و صاحبان وسیله نقلیه^{۳۷} اشاره نمود؛ چنانکه تاجران مجبور به افتتاح حساب بانکی هستند^{۳۸} و یا مستأجرین مکلف به اخذ خطرات مربوط به اقامت در محل مورد اجاره.^{۳۹}

ب) اجبار در انتخاب طرف قرارداد

۲۴. در این قسم از قراردادهای اجباری، شخص در انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد آزاد است و هیچ اجباری از این حیث ندارد اما در صورت تصمیم به انعقاد قرارداد، طرف قرارداد به او تحمیل می‌شود. به این ترتیب، در این قسم از قرارداد اجباری، اصل آزادی قراردادی از حیث ضرورت آزاد بودن اشخاص به ورود در یک قرارداد، رعایت می‌شود اما از حیث آزاد بودن در انتخاب طرف قرارداد به‌طور کامل یا جزئی رعایت نمی‌گردد. در راستای چنین اجباری است که در حقوق فرانسه،^{۴۰} اشخاص اجباری به انعقاد قرارداد ندارند اما چنانچه تصمیم به انعقاد قرارداد بگیرند، نمی‌توانند با اتکای به دلایل سیاسی، مذهبی، نژادی، ملیتی، آداب و رسوم اخلاقی، تعلقات صنفی، شکل ظاهری، وضعیت سلامتی و یا نوع معلولیت جسمی در به‌کارگیری افراد و یا ارائه کالا و یا خدمت به اشخاص دست به انتخاب بزنند.^{۴۱} در کنار قاعده کلی فوق، مواردی نیز وجود دارند که در آنها شخص، در صورت تصمیم به انعقاد قرارداد، مجبور به انعقاد آن با شخص معینی شده است. برای مثال، مؤجرین املاک روستایی در فرانسه در صورت تصمیم به فروش

33. Flour. Aubert et Savaux, op. cit., no 125.

۳۴. نگاه کنید به:

Benabant, op. cit., no 56, p. 95; Flour- Aubert- Savaux, op. cit., no 125, p. 95; Marty- Raynaud, op. cit., no 80, p. 80; Terre-Simler- Lequette, op. cit., no 195, p. 191.

۳۵. به موجب ماده ۲۷ قانون مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱.

۳۶. به موجب ماده ۱۳ مصوبه مورخ ۲۰ مه ۱۹۵۵.

۳۷. به موجب ماده ۱-۲۱۱. L قانون بیمه.

۳۸. به موجب ماده ۲۴-۱۲۳. L قانون تجارت.

۳۹. به موجب ماده ۷ قانون مورخ ۶ ژوئیه ۱۹۸۹.

40. V: Benabant, op. cit., Loc. Cit.; Flour- Aubert- Savaux, op. cit., no 126, p.97.

۴۱. مواد ۱-۲۲۵ به بعد قانون مجازات فرانسه اعمال تبعیض به دلایل فوق را جرم اعلام کرده است.

املاک‌شان مکلفند بدو آنها را به کشاورزان بفروشند (در صورت پیشنهاد قیمت مشابه با دیگران)، کما اینکه مؤجرین املاک مسکونی نیز در صورت تصمیم به فروش مکلفند آن املاک را به مستاجرین بفروشند.^{۴۲}

ج) اجبار در انعقاد و انتخاب طرف قرارداد

۲۵. در این نوع اجبار که می‌توان آن را شدیدترین نوع قرارداد اجباری دانست، آزادی فرد هم در انعقاد قرارداد و هم در انتخاب طرف قرارداد سلب می‌شود. در واقع، فرد ملزم به انعقاد قرارداد با هر متقاضی است.^{۴۳} در این مورد می‌توان از ارائه‌دهندگان امور و خدمات دولتی نام برد. اشخاص نامبرده از یک سو مجبور به ارائه خدمت می‌باشند و از سوی دیگر نمی‌توانند میان درخواست‌کنندگان تبعیض قائل شوند. اشخاص، مؤسسات و فروشگاه‌های تابع نظام صنفی و حرفه‌ای که به ارائه کالاهای ضروری و اساسی مردم می‌پردازند نیز تابع همین حکم هستند.^{۴۴}

اجبار مؤجر به تمدید قرارداد اجاره با مستأجر در قالب ماده ۸ قانون روابط مؤجر و مستأجر سال ۵۶ نیز می‌تواند یکی دیگر از مصادیق این نوع از قراردادها محسوب شود.

د) اجبار در انتخاب مفاد قرارداد

۲۶. در این قسم از اجبار، طرفین در انعقاد قرارداد و انتخاب طرف قرارداد آزادند ولی شروط قرارداد (کلاً یا بعضاً) بر طرفین تحمیل می‌شود. به عبارت دیگر، فرد مختار است که قراردادی را منعقد نماید یا صرف نظر نماید، همچنین آزاد است که با هر فردی که می‌خواهد قرارداد ببندد، اما در صورت تصمیم به انعقاد قراردادی خاص با فرد مورد دلخواه خود، شروط قرارداد بر او تحمیل می‌گردد.

برای مثال، در فرضی که شرکت‌های بیمه یا مخابرات متعددند اما بر طبق قوانین مکلفند شرایطی را در قراردادهای خود درج و رعایت نمایند یا برعکس از درج پاره‌ای از شروط امتناع نمایند.

ه) اجبار در قرارداد انعقاد و انتخاب مفاد قرارداد

۲۷. در اینجا افراد مکلف به انعقاد نوعی خاص از قرارداد هستند که شروط نیز از قبل توسط دولت تعیین شده است. البته در این نوع اجبار هنوز افراد آزادی خود را در انتخاب طرف قرارداد از دست نداده‌اند. برای مثال، در مورد بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری که دارندگان وسایل مزبور اجبار به انعقاد قرارداد بیمه دارند و از سوی دیگر در قانون مربوطه شرایطی بر این قرارداد تحمیل شده است.

بند سوم: اجبار در انعقاد و انتخاب طرف و مفاد قرارداد

⁴² V. Benabant, op. cit., no 56, p. 36; Flour- Aubert- Savaux, op. cit., no 126, p. 97; Terre- Simler- Lequette, op. cit., no 195, p. 192.

به چنین حق تقدیمی Droit de préemption گفته می‌شود که شبیه نهاد حق شفعه در حقوق ایران است.

⁴³ Flour- Aubert- Savaux, op. cit., no 127, p. 98.

⁴⁴ برای مثال، یک نانوا نمی‌تواند از فروش نان امتناع کند، کما اینکه یک پزشک در صورت ضرورت نمی‌تواند از ارائه خدمت پزشکی امتناع ورزد: نگاه کنید به:

Flour- Aubert- Savaux, op.cit., no 127, p. 98.

در حقوق فرانسه به موجب ماده ۱- ۲۲۵ و ۲- ۲۲۵ قانون مجازات و ماده ۱- ۱۲۲- L قانون مصرف، خودداری از فروش کالا به مصرف‌کنندگان دارای ضمانت اجرای کیفری و مدنی است.

۲۸. در این نوع اجبار که شدیدترین آن نیز هست، فرد علاوه بر آنکه به انعقاد و انتخاب مفاد قراردادی خاص تکلیف می‌شود، طرف قرارداد نیز بر او تحمیل می‌گردد.

برای مثال، در مواردی که قیمت کالا یا خدمات عمومی یا اساسی از سوی دولت تعیین می‌گردد، اشخاص ارائه‌دهنده کالاها و خدمات مزبور مکلفند ضمن رعایت قیمت اقدام به ارائه کالا و خدمت به کلیه متقاضیان نمایند.

نتیجه گیری

۲۹. اصل آزادی قراردادی، گر چه کماکان به عنوان یکی از اصول بنیادین در نظام‌های حقوقی مختلف مورد توجه قرار دارد، اما دیگر اعتبار مقدس مآبانه گذشته خود را ندارد. در واقع، تغییرات گسترده مناسبات اجتماعی و نیز نابرابری‌های اقتصادی، نظام‌های حقوقی را به سمت تحدید قلمرو اصل و ایجاد استثنائات متعدد بر آن هدایت کرده است.

قراردادهای اجباری، ترکیب دو عنوانی که در بادی امر متعارض به نظر می‌رسند، یکی از مهم‌ترین استثنائات وارد بر اصل پیش گفته می‌باشند. طبق اصل آزادی قراردادی، اشخاص آزادند که قراردادی را منعقد کنند یا نکنند؛ در صورت تصمیم به انعقاد قرارداد، باز اشخاص آزادند که مفاد قرارداد را به اختیار خویش تعیین نمایند، کما اینکه آزادند طرف قرارداد خود را به دلخواه خویش برگزینند: حال آنکه در قراردادهای اجباری، بر خلاف اقتضای اصل، اشخاص مجبور به انعقاد قرارداد و تن دادن به شرایط تحمیلی از سوی قانون‌گذار می‌شوند و در برخی موارد حتی حق انتخاب طرف قرارداد را نیز از دست می‌دهند.

این گونه قراردادهای زاییده دخالت دولت و قوای عمومی در روابط معاملی خصوصی اشخاص است و مبنای توجیه کننده آن، صرفاً ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی و دغدغه تأمین عدالت بیشتر است. با این حال، به نظر می‌رسد دولت‌ها و قواعد عمومی در گسترش قلمرو قراردادهای اجباری و تحدید اصل آزادی قراردادی باید جانب احتیاط را در پیش گیرند و دخالت خود را به حد ضرورت محدود سازند.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ مجموعه محشای قانون مدنی، تهران، چاپ اول، گنج دانش، ۱۳۷۹.
۳. صفایی، حسین؛ قواعد عمومی قراردادها، ج دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۶.
۴. کاتوزیان، ناصر؛ قواعد عمومی قراردادها، ج اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
۵. کاتوزیان، ناصر؛ نظریه عمومی تعهدات، تهران، میزان، ۱۳۸۵.

ب) انگلیسی

6. A. Lenhoff, the scope of compulsory contracts proper, Columbia law review, 1943, vol. 43, No. 5.
7. E. W. Patterson, compulsory contracts in the crystal ball, Columbia law review, 1943, vol. 43, No. 5.
8. L. Koffman and E. Macdonald, the law of contract, New York, Oxford University press, 5th edition, 2004.
9. L. Mulcahy, contract law in perspective, London and New York, rout ledge Cavendish, 5th edition, 2008.

ج) فرانسه

10. A. Bénabant, les obligations, 4^{ème} édition, Montchrestien, 1994.
11. J. Flour et J. L. Aubert et E. Savaux, les obligations, delta edition, 2002.
12. Marty et P. Raynaud, les obligations, Tome 1, 2^{ème} edition, Sirey, 1988.
- Terré et Ph. Simler et Y. Lequette, les obligations, 6 edition, Dalloz, 1996.